**تحقیقی درباره تفسیری روایی از مؤلفی کرامی**

**نویسنده : انصاری قمی، حسن**

برای آشنایی با مکاتب کلامی و مذهبی ایران در دوران اسلامی، این نکته را باید در نظر داشت که به ویژه در چند قرن نخستین که زبان علمی غالب در ایران زبان عربی بوده است، می‏بایست حوزه تأثیر این مکاتب را فراتر از حوزه جغرافیایی ایران و در دامنه گسترش جهان فرهنگی ایرانی جُست. بنابراین هرگونه تحقیق در این حوزه منوط به بررسی متون اسلامی به معنای عام است. به عنوان نمونه باید به فرقه کمتر شناخته کرّامیه توجه کرد که خاستگاهی کاملاً ایرانی داشت، ولی به‏تدریج آثار ایشان فراتر از حوزه ایران مطرح شد و بنابراین محققان برای تحقیق درباره آنان نیازمند غور و بررسی در آثار کلامی، حدیثی و فقهیِ عمومی‏تری هستند که بیشتر نیز به زبان عربی تدوین شده است. در اینجا به ارائه یک نمونه که معرفی یک اثر کرّامی را دربر خواهد داشت، می‏پردازیم.

محققینی که با آثار ابن شهرآشوب مازندرانی و ابن‏طاووس آشنایی دارند، بی‏تردید نام محمد بن مؤمن شیرازی و تفسیر او را کم‏وبیش در این آثار دیده‏اند. ما در این مقاله سعی داریم، این شخص و مذهب او و تفسیرش را معرفی کنیم.

عبدالجلیل قزوینی رازی در کتاب گرانقدر نقض در شمار مفسران امامی نام محمد بن مؤمن شیرازی را که «نزول‏القرآن تصنیف کرده است فی شأن امیرالمؤمنین» پس از شیخ طوسی و پیش از محمدالفتّال النیسابوری می‏آورد.(1) شیخ منتجب‏الدین رازی نیز در فهرست خود و در میان عالمان امامی، از محمد بن مؤمن شیرازی نام می‏برد و او را ثقه می‏خواند و می‏گوید که وی مصنّف کتاب نزول القرآن فی شأن امیرالمؤمنین (ع) است. منتجب‏الدین می‏افزاید که به واسطه ابوالبرکات محمد بن اسماعیل مشهدی از او روایت می‏کند.(2) معاصر منتجب‏الدین، یعنی ابن شهرآشوب مازندانی در کتاب معالم‏العلماء نیز نام ابوبکر محمد بن مؤمن شیرازی را آورده و ضمن کرّامی خواندن وی گفته است که او کتاب نزول القرآن فی شأن امیرالمؤمنین علیه‏السلام داشته است.(3) ابن شهرآشوب در دو کتاب دیگرش یعنی مناقب آل ابی‏طالب و متشابه‏القرآن از تفسیر شیرازی بهره گرفته و در مناقب در میان کتب و منابع سنّی از کتاب شیرازی نام برده و گفته است که شیرازی به او اجازه روایت کتاب مانزل من القرآن فی علی را داده است.(4) چنانکه می‏بینیم، عبدالجلیل قزوینی و منتجب‏الدین محمد بن مؤمن را فردی شیعه معرفی می‏کنند، در حالی‏که ابن شهرآشوب او را کرّامی خوانده و کنیه‏اش را ابوبکر می‏داند.

در شواهدالتنزیلِ حافظ عبیداللّه‏ بن عبداللّه‏ حاکم حسکانی (قرن پنجم)، نام ابوبکر بن مؤمن را در اسناد شماری از احادیث کتاب می‏بینیم. حسکانی به دو واسطه از وی روایت می‏کند. در بسیاری از اسناد این کتاب، نام ابوبکر بن مؤمن به صورت محمد بن عبیداللّه‏ (و گاهی عبداللّه‏) ضبط شده است. بسیاری از طرق روایت او، به همان کسانی منتهی می‏شوند که حسکانی در جای دیگر از کتاب خود نام ایشان را در شمار مؤلفان کتابهایی که منبع تفسیر محمد بن مؤمن بوده‏اند ذکر می‏کند.(5)

حاشیه:

1) عبدالجلیل قزوینی رازی، نقض، به کوشش جلال‏الدین محدث ارموی، تهران 1358 ش، ص 212.

2) منتجب‏الدین رازی، فهرست اسماء علماء الشیعه و مصنفیهم، به کوشش عبدالعزیز طباطبایی، قم 1404 ق، ص 165.

3) ابن شهرآشوب، معالم‏العلماء، نجف 1380 ق/ 1961 م، ص 118.

4) ابن شهرآشوب، مناقب آل ابی‏طالب، چاپ سه جلدی، 1/12، 289، 292، 293، 300، 301، 303، 306، 319، 324، 341، 348، 398؛ 2/3، 141، 143، 171، 173، 205، 209، 224، 255، 267، 279، 302، 314، 368؛ 3/24، 92، 101، 104، 105،120، 170، 186؛ همو، متشابه‏القرآن، 2/31، 38، 41.

5) رک. حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، به کوشش محمدباقر محمودی، تهران 1411 ق/ 1990 م، 1/577 که از کتاب ابن‏مؤمن یاد می‏کند. گاهی در برخی روایات، حسکانی مستقیما از ابوبکر بن مؤمن روایت می‏کند که واضح است در این‏گونه روایات، واسطه در نسخه افتاده است، مانند شماره 81. طرق روایی ابن‏مؤمن در کتاب شواهد و منابع تفسیر او به شرح زیر است: 1) ابواحمد محمد بن عبید در بغداد (شماره 87) در این روایت حسکانی به دو واسطه یعنی ابوالعباس عقیل بن حسین النسوی علوی (شرح‏حال در سیاق، ش 1359) و او از ابوالحسن علی بن حسین بن قیدة الفسوی از وی نقل حدیث کرده است. حسکانی در جایی دیگر علی بن حسین مذکور را به‏صورت علی بن الحسین النسایی الامامی یاد کرده است (شماره 1159)، نقل از سدّی و مجاهد؛ 2) عثمان بن احمد بن عبداللّه‏ الدقاق معروف به ابن‏سمّاک در بغداد؛ نقل از مقاتل بن حیّان و ضحاک (شماره 106)؛ 3) المنتصر بن نصر بن تمیم الواسطی در واسط (شماره 114، و در شماره 902 از مجاهد)؛ 4) محمد بن حمّاد الاثرم در بصره (شماره 115) به نقل از مجاهد (و نیز در شماره 1076 به نقل از قتاده)؛ 5) در شماره 161 نقل از ابوصالح؛ 6) محمد بن عبید بن اسماعیل صفّار در بصره (شماره 203)، نقل از مجاهد؛ 7) ابوعمر عبدالملک بن علی در کازرون (شماره 206)، نقل از ابوصالح (و در شماره 901 از قتاده)؛ 8) ابوعلی حسن بن محمد بن عثمان الفسوی (شماره 219 و 481) در بصره در سال 334 ق، نقل از یعقوب بن سفیان و مجاهد؛ 9) محمد بن ابی‏الطیب السامری (شماره 255)، نقل از مجاهد؛ 10) ابوبکر محمد بن سلیمان در بصره (شماره 266)، نقل از áحسکانی در حدیث شماره 1159 کتابش به نقل از علی بن حسین نسائی امامی می‏گوید که ابوبکر بن مؤمن مفسّر شیرازی به او گفته بوده است که این آیات (یعنی آیات نازل شده درباره حضرت امیر علیه‏السلام) را از دوازده تفسیر تخریج کرده است. این دوازده تفسیر عبارتند از: 1) تفسیر یعقوب بن سفیان فسوی؛ 2) تفسیر ابن جُرَیج؛ 3) تفسیر مقاتل بن سلیمان؛ 4) تفسیر وکیع بن جرّاح؛ 5) تفسیر یوسف بن موسی القطّان؛ 6) تفسیر قتاده؛ 7) تفسیر ابوعبیده (که باید تصحیف ابوعبید باشد)؛ 8) تفسیر علی بن حرب الطائی؛ 9) تفسیر سُدّی؛ 10) تفسیر مجاهد؛ 11) تفسیر مقاتل بن حیّان؛ و 12) تفسیر ابی‏صالح.

ابن‏طاووس نیز در الطرائف و الیقین از محمد بن مؤمن شیرازی نام برده و از کتاب او بهره گرفته است. ابن طاووس در الطرائف(6) می‏گوید که محمد بن مؤمن شیرازی کتابش را از 12 تفسیر استخراج کرده و او از علمای سنّی و ازثقات ایشان است. ابن‏طاووس در جای دیگری از کتاب(7) به نام تفاسیر دوازده‏گانه اشاره کرده است که همان نامهایی است که در کتاب حسکانی می‏یابیم؛ با این تفاوت که ابن‏طاووس به جای تفسیر ابوعبیده (یعنی محمد بن مثنّی)، تفسیر ابوعبید (در متن چاپ شده ابن‏طاووس: ابوعبیده) قاسم بن سلاّم را در شمار این تفاسیر یاد کرده است. البته به نظر ما همین ضبط درست است و نام ابوعبیده که در نسخه چاپی شواهد التنزیل آمده است، اشتباه است. چنانکه در منابع تفسیر ابوبکر بن مؤمنِ یاد شده در شواهد التنزیل (پانوشت شماره 5) آمده است، مؤلف طرق خود را در برخی روایات به ابوعبید قاسم بن سلاّم می‏رساند و نه ابوعبیده.(8)

ابن طاووس همچنین در ضمن نقلی از کتاب شیرازی به یکی از مشایخ وی با عنوان یحیی بن الحسین در مکه اشاره کرده است(9) که این نام در میان نامهایی که حسکانی ذکر کرده دیده نمی‏شود (رک. پانوشت شماره 5). ابن طاووس در کتاب الیقین(10) نیز از تفسیر محمد بن مؤمن استفاده کرده است، گرچه در یک‏جا او را شیرازی و در جای دیگر نیشابوری خوانده است، ولی ظاهرا نیشابوری تصحیف شیرازی است. کُلبرگ بر همین اساس او را الشیرازی النیسابوری خوانده است.(11)

جز ابن‏طاووس، علمای شیعی دیگری نیز هستند که از کتاب ابن‏مؤمن استفاده کرده‏اند: علامه حلی در کتاب نهج‏الحق(12) از محمد بن مؤمن شیرازی نام می‏برد، ولی در نسخه چاپی کتاب، نام پدر به جای مؤمن، موسی ضبط شده است. چنانکه در الطرائفِ(13) ابن طاووس نیز در یک‏جا چنین تصحیفی رخ داده است. علامه حلی نیز همان تفاسیر دوازده‏گانه را برمی‏شمارد که البته در نسخه چاپی تصحیفاتی رخ داده است.(14)

عمادالدین حسن بن علی بن محمد طبری نیز که از علمای قرن هفتم است در آثار خویش، تحفة‏الابرار، اسرارالامامه و کامل بهائی، از تفسیر شیرازی بهره گرفته است. در تحفة‏الابرار نام مؤلف «ابوبکر بن محمد موسی» آمده که تصحیف است.(15)

حاشیه:

ûمجاهد؛ 11) ابومروان عبدالملک بن مروان قاضی مدینة‏الرسول در مدینه به سال 344 و نیز 347 (شماره 289 و 608)، به نقل از قتاده؛ 12) عمر (عمرو) بن محمدالجمحی در مکه (شماره 366)، نقل از سدی و ابوصالح؛ 13) نقل از ابوعبید قاسم بن سلاّم (شماره 383)؛ 14) محمد بن الطیب السامری در سامرا (شماره 406)، از قتاده (رک. شماره 9 در این لیست)؛ 15) محمد بن خرزاد (یا حرزاد) در اهواز (شماره 421 و 485)، از قتاده؛ 16) ابوالحسین بن ماهان خوری در خور (بلخ)، نقل از وکیع و سدّی (شماره 452)؛ 17) عبدویه بن محمد در شیراز (شماره 459)، به نقل از وکیع و سدّی؛ 18) ابوبکر محمد بن عبدالرزّاق در بصره (شماره 480)، از قتاده؛ 19) محمد بن عبید بن زبورا در بغداد (شماره 527)، از ابوصالح (و در شماره 784 به نقل از سدّی) احتمالاً همان شخصی که در شماره 1 از آن نام بردیم؛ 20) نقل از ابن‏جریج (شماره 564)؛ 21) ابن عبیداللّه‏ بن عبید (شماره 626). این نام بی‏تردید تصحیف نام خود مفسر یعنی محمد بن عبیداللّه‏ است؛ 22) محمد بن محمود العسکری (شماره 796)، به نقل از مجاهد؛ 23) ابوبکر محمد بن حسن الآجری در مکه (شماره 836)، به نقل از ابوعبید قاسم به سلاّم و قتاده؛ 24) محمد بن مهدی السیرافی (شماره 1037)، به نقل از سدّی و قتاده؛ 25) محمد بن خالد الازرق در بصره (شماره 1071)، به نقل از یعقوب بن سفیان و مجاهد؛ 26) نقل از یوسف بن موسی القطّان (شماره 1075)؛ 27) نقل از علی بن حرب طائی (شماره 1079)

6) ابن طاووس، الطرائف، قم 1400 ق، ص 93؛ نیز رک.

Kohlberg, E., A Medeival Muslim Scholar at Work: Ibn TÊaËwuËs and his Library, Leiden, New York, Köln, 1992, p.307.

7) الطرائف، ص 429.

8) شواهد التنزیل، فهارس (حلد سوم)، ص 251.

9) الطرائف، همانجا.

10) ابن طاووس، الیقین، به کوشش انصاری، بیروت 1410 ق/ 1989 م، ص 413ـ410.

11) کلبرگ (Kohlberg)، همانجا.

12) علامه حلی، نهج‏الحق و کشف‏الصدق، به کوشش حسنی ارموی، قم، 1407 ق، ص 210.

13) الطرائف، ص 80.

14) نهج‏الحق، ص 330.

15) عماد طبری، کامل بهائی، تهران، مکتبه مرتضوی، 1/167 و صفحات دیگر؛ همو، تحقة‏الابرار، چاپ دفتر نشر میراث مکتوب، ص 129 و صفحات دیگر؛ نیز رک. اسرارالامامة، مشهد 1380 ش، ص 28، 239، 253، 290، 399، 404، 405. در نهج‏الایمانِ ابن جبر نیز نقل از کتاب محمد بن مؤمن شیرازی و گاه محمد بن موسی شیرازی دیده می‏شود که احتمالاً از مناقب ابن شهرآشوب اخذ شده است، رک. ص 389، 507، 514، 539.

کتاب نزول القرآن یا تفسیر شیرازی درآثار برخی متأخرین چون سیدهاشم بحرانی، از جمله در غایة‏المرام، اللوامع‏النورانیة، تبصرة‏الولی فی النص الجلی، الهدایة القرآنیة الی الولایة الامامیة و البرهان، مورد استفاده قرار گرفته است.(16) البته کتاب شیرازی در اختیار بحرانی نبوده و او به واسطه کتب دیگر چون مناقب ابن شهر آشوب از آن نقل کرده است.(17)

با توجه به گزارشهای فوق، چنین درمی‏یابیم که ابوبکر بن مؤمنِ مذکور در شواهد التنزیل همان شخصیتی است که ابن طاووس از وی سخن گفته است.(18) ولی پرسش این است که آیا محمّد بن مؤمنِ مذکور در کتاب نقض و فهرست منتجب‏الدین و معالم‏العلماء و مناقب آل ابی‏طالبِ ابن شهرآشوب نیز همان شخصیتی است که حسکانی و ابن‏طاووس از او نام برده‏اند؟ پاسخ به این پرسش دشوار است. حرّ عاملی در امل‏الآمل صاحبان این دو نام را دو شخصیت جداگانه می‏شمارد.(19) ولی وی در اثبات‏الهداة می‏گوید که محمد بن مؤمن شیرازی صاحب کتاب مستخرج از دوازده تفسیر، خود از امامیه است، گرچه همه کتابش مبتنی بر روایات عامه (اهل سنت) است.(20) آقا بزرگ تهرانی نیز امکان تفاوت شیرازی مذکور در فهرست منتجب‏الدین با شیرازیِ مذکور در آثار ابن‏طاووس را مطرح می‏کند.(21) در حالی‏که صاحب نقض و منتجب‏الدین مؤلف را امامی‏مذهب می‏دانند، ابن شهرآشوب او را در شمار عامه و به عبارت دقیقتر کرّامی‏مذهب می‏داند. مهمتر از همه، مشکل اصلی اینجاست که در حالی‏که منتجب‏الدین کتاب را به یک واسطه از مؤلف روایت می‏کند و ابن شهرآشوب می‏گوید که خود بی‏هیچ واسطه‏ای اجازه روایت کتاب را از مؤلف داشته است، حسکانی به دو واسطه از ابن مؤمن روایت می‏کند. امّا حسکانی پس از سال 470 درگذشته است و با این حساب از اعلام قرن پنجم محسوب می‏شود، در حالی‏که منتجب‏الدین و ابن شهرآشوب از علمای قرن ششم هستند و منتجب‏الدین پس از سال 600 و در اوائل قرن هفتم درگذشته است. چگونه ممکن است که حسکانی در قرن پنجم خود به دو واسطه از ابن‏مؤمن روایت کند، در حالی‏که ابن شهرآشوب در اواخر قرن ششم بی‏واسطه از ابن مؤمن حدیث شنیده باشد؟ با توجه به اسناد ابن‏مؤمن که در کتاب شواهد التنزیل آمده، تردیدی نمی‏ماند که وی از عالمان قرن چهارم بوده است و بنابراین روایت مستقیم ابن شهرآشوب از «محمد بن عبیداللّه‏ بن مؤمن شیرازی» (نام پیشنهادی) منتفی است، گرچه مسلم است که ابن‏مؤمن مذکور در کتابهای ابن شهرآشوب عینا همان کسی است که صاحب تفسیری بوده که از 12 تفسیر استخراج شده بوده و حسکانی و ابن طاووس و علامه حلی به او اشاره کرده‏اند.(22)

به نظر می‏رسد که محمد بن مؤمن شیرازی در همه موارد (یعنی در کتابهای نقض و فهرست منتجب‏الدین و آثار حسکانی و ابن شهرآشوب و ابن طاووس و علامه حلی) یکی باشد. علت اینکه او را دو نفر شمرده‏اند این است که از یک سو در نسخه فهرست منتجب‏الدین تحریفی رخ داده و در سند منتجب‏الدین افتادگیی روی داده است و از دیگر سو در نسخه مناقب، آنجا که از روایت مستقیم خود از ابن مؤمن یاد می‏کند، تحریفی رخ داده است. امامی بودن ابن مؤمن نیز که از سوی منتجب‏الدین و صاحب نقض عنوان شده، خطاست و تنها قول صریحی که در مورد مذهب او باقی می‏ماند همان رأی ابن شهرآشوب در معالم است که او را کرّامی دانسته است. بنابراین، تا به دست آمدن مدارک دیگر در مورد محمد بن مؤمن، می‏توان او را کرّامی دانست.

در پایان، لازم به ذکر است که ملاطاهر قمی در الاربعین خود به رسالة‏الاعتقاد از ابن‏مؤمن ارجاع می‏دهد که ظاهرا در هیچ‏یک از منابع کهن اشاره‏ای به آن نشده است(23) و احتمالاً وی در این مسئله دچار خلط شده است.

حاشیه:

1616) رک. فارس تبریزیان، العلامة السید هاشم البحرانی، حیاته، کتبه، مکتبته، قم 1416 ق، ص 241 و 242.

17) رک. بحرانی، اللوامع النورانیه، اصفهان، چاپ دوم، 1404 ق، ص 199؛ نیز رک. تأویل‏الآیات استرابادی، 2/493، 758، که او نیز به کتاب دسترسی نداشته است.

18) خاصه که برخی روایات او در شواهد، در آثار ابن طاووس به نقل از ابن مؤمن شیرازی و کتاب تفسیرش نقل شده است، رک. شواهد، 1/97، 432؛ 2/418؛ قس. طرائف، چاپ 2، ص 94، 95.

19) حر عاملی، امل‏الآمل، به کوشش سیداحمد حسینی، افست قم 1362 ش، 2/296.

20) حر عاملی، اثبات‏الهداة، به کوشش ابوطالب تجلیل تبریزی، قم 1404 ق، 1/34؛ قس. افندی، تعلیقة امل‏الآمل، به کوشش سیداحمد حسینی، قم 1410 ق، ص 293.

21) آقابزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعة، تهران، 1398 ق/ 1978 م، 24/106.

22) برخی روایات ابن‏مؤمن در شواهد، عینا در مناقب ابن شهرآشوب به نقل از تفسیر ابوبکر محمد بن مؤمن شیرازی نقل شده است، برخی از این موارد توسط محقق شواهد، ارائه شده است، رک. شواهد، حواشی ارقام 479 و 480. گفتنی است که ابن شهرآشوب در مواردی در مناقب از برخی تفاسیر دوازده‏گانه پیشگفته به واسطه ابن مؤمن نقل می‏کند ،بی‏آنکه از منبع واسطه نامی ببرد، رک. شواهد، ارقام 87، 357، 459، 1075 و مقایسه با پاورقیهای محقق کتاب.

23) رک. کتاب‏الاربعین، ملاطاهر قمی، قم 1418 ق، ص46.